

نگاه کارشناس

آموزش و پرورش خاموش

مهدی بهلولی

■ سال‌هاست که سخن از کم‌مایگی اندیشگی با بالار بی‌مایگی و بن‌بست در زایش و آفرینش ایده و انگاره در جامعه جهانی و ما، سخن آشنایی است. اینکه پنهان و ژرفای این ناتوانی اندیشگی چیست و تا چه اندازه است، جای گفت‌وگو و چون‌وچرا دارد اما کمتر کسی آن را سراسر نادیده می‌گیرد و از بیخ‌ون دروغ می‌شمارد. همگی، همچنین بر ضرورت وارسی و ریشه‌یابی‌اش همداس‌تاند، به ویژه در ایسن زمانه و جامعه جهانی که به گفته پارامی اندیش‌مندان «جمله‌دانی» است. در خاستگاه و آیشخورهای آن نیز، کشمکش‌ها می‌توان دید و درباره سازدهای فرهنگی، اقتصادی، جغرافیایی، سیاسی و… پدیدآورنده‌اش، نوشته‌ها یافت. پیداست گ‌رای چنین فروخته‌ست- که کاری دشوار، اگر ن‌گوییم بی‌برون‌رفت برای ما آفریده‌است- را می‌توان از دیدگاه‌ای گوناگون نگریست. همچنین روشن و رواست که یک پای همیشگی در این میانه، درماندگی و کاستی‌های سالمتهای آموزشی عالی و دانشگاه، بی‌گمان در این پس‌افتادگی و پس‌رفت، نیزه‌آفرین است.
باری همان‌گونه که بارها گفته شده است – و بسیاری از اندیشم‌ه‌وران آموزشی و حتی مسوولان دولتی نیز گفته و می‌گویند- آموزش و پرورش ایران، سالمتهای ناکارآمد و گرفتار در روزمرگی است و از پرورش انسان فراخ‌روز روزگار نوین، ناتوان. گویی تنها هنر این دستگاه بزرگ و گسترده، نگهداری چندساله کودکان ورودی، سپس واگذاری آنها به آموزش عالی است؛ آن‌هم با ذهنی اثبات‌شده از آموزه‌های ایزر شده و نیندیشیده تازه، چه بسبب از این ورودی‌ها که به دلیل واکنش‌دهای گوناگون، در میانه راه به کنار می‌روند می‌شوند: کودکان بازمانده از تحصیل که دریغ، این سال‌ها آمارشان رو به فزونی است؛ یا کودکان و دانش‌آموزان متاد که این نیزه پدیده دردناک و اندوه‌باری است که خبر از ژرفای جامعه‌های فرهنگی، اجتماعی و آموزشی می‌دهد. راستی این یک‌پیمانه‌نفر که همگی دانش‌آموختگان مدرسه و دانشگاهند تا چه اندازه برای نمونه، در پهنه اینترنت و دنیای مجازی بویا و کوشنده‌اند؟ تا چه اندازه می‌اندیشند و می‌نویسند و فئده‌های آموزشی و زندگی خویش را با دیگران درمیان می‌گذارند و از آنها سخن می‌گویند؟ هر آینه پیداست که این پرسش‌ها، پاسخ امیدوارکننده و نویدبخش نمی‌یابند و نگاه بسیار کم و کاستی، خاموش بالایی‌از این آموزگاران، که بارها این گلابه‌ها و تنگناها را شنیده‌اند و سال‌ها با آنها زیسته و می‌زیند، انگیزهای برای بیان و بالاتر پژوهش، جست‌وجو و انگاربرداری درساره آنها ندارد و باز همان پرسش- «ای بار شاید برتوان و جدی‌تر- از چ‌رایی این رخداد است، به دیگر سخن، پس چرا چنین آموزش پر کم و کاستی، خاموش است؟» گسترده‌ترین پاسخ، از آن کسانی است که پای تنگناهای اقتصادی را به میان می‌آورند و اینکه آموزگار چند- پیشه را کاری به این کارها نیست؛ آموزگاری که آموزش، بیشه‌دوم یا سوم اوست، توان، زمان و انگیزه چنین کارهایی را ندارد. من بی‌آنکه بخواهم یکسر، این سخن را نادرست بدانم – که بی‌گمان در پدیدآمدن چنین شرایطی، کار ساز است- مساله را کمی ساختاری‌تر می‌بینم. می‌توان چنین گفت که بخش مهم و چشمگیری از این خاموشی، به چیستی و چگونگی دانش و آموزشی برمی‌گردد که آموزگاران، آموخته و می‌آموزاند. در آموزش و پرورش ما، کتابی داده می‌شود به نام کتاب درسی. آموزگار می‌باید بی‌کم و کاست، این کتاب را درس دهد و دانش‌آموز باید یاد بگیرد و آموزه‌هایش را در آزمون پس دهد. درون‌مایه آن نیز، بیش و کم مساله زندگی روزمره آموزگار، دانش‌آموز و جهان بیرامون آنها نیست. کتاب پر شده است از دانشی به سلمان دانشی که پاسخ همه پرسش‌ها را می‌دهد و همه چیز در آن روشن است. چندان هم جایی برای پژوهش و چون و چرا نمی‌گذارد. از پیش پاسخ همه پرسش‌ها داده شده است و به اصطلاح، مولای درش نم‌ی‌رود. درون‌مایه کتاب نیز، از زندگی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی دانش‌آموز برنخاسته است. یعنی کتاب درسی چندان کاری ندارد به دگرگونی‌های واقعی جامعه و پرسش‌های راستینی که برای آموزگار و دانش‌آموز به میان می‌آید و کاری ندارد می‌باید. پس آموزش با پرسش‌های راستین زندگی پیوندی استوار ندارد و مساله- محور و مساله آفرین نیست. بنابراین نهال پژوهش، پرسش و اندیشیدن را نه در جان و گوهر دانش‌آموز، کنونی می‌گارد و می‌نشاند نه در جان دانش‌آموز بی‌شین، یعنی همان آموزگار. پس آن دو یاد نمی‌گیرند که مساله‌های زندگی خویش را بی‌زحمت و درباره آنها سخن گویند (۱). اما ژرفای فاجعه آنجا دیده می‌شود که پارامی اندیش‌مندان آموزشی ما نیز، در آفرینش و گزینش دانش، برای آموزگاران چندان حقی نمی‌بینند. و شاید به همین دلیل است که بسیاری از کتاب‌های درسی آموزش و پرورش را استادان دانشگاه می‌نویسند تا آموزگاران درس بدهند؛ استیستن من کسه به هیچ و چنین نمی‌اندیشم. در دیدگاه‌های نوین درباره دانش نیز، به پیوند بین دانش و جامعه مدنی ارزش بسیاری داده می‌شود که با این دست سخنان، هماهنگی و سازگاری نمی‌یابد. بنابراین می‌خواهم بگویم اینکه اندیشه و انگاره‌برداری در جامعه ما چندان جایگاهی نداشته و ندارد و یک دل‌بیش شاید همین «آموزش و دانش آکادمیک» باشد، دانشی که جای چون‌وچرا نمی‌گذارد و آموزگارش تنها آن را می‌آموزاند!

پانوشته‌ها.

۱) باری توضیح بیشتر نکند: «نظام ارتباطی آموزش در ایران»، علی خورشندی، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ص ۵۲

دریاچه مازندران بزرگ‌ترین دریاچه دنیا و ۳۰متر از سطح دریاهای آزاد پایین‌تر است و همچنین با توجه به گرم شدن سطح کره‌زمین، آب شدن سریع برف و یخ در نواحی شمالی این دریاچه و بارندگی بسیار یکی از رودخانه‌های مهم که حدودا ۶۰ تا ۷۰درصد آب این دریاچه را تامین می‌کند، رود ولگناست. این دریاچه با قرار گرفتن در نیمکره شمالی و به دلیل وضعیت گردششی کره‌زمین به دور خود از جمله دریاچه‌هایی است که در این موقعیت در قسمت راست رسوب‌گذاری می‌کنند. عمیق‌ترین قسمت دریاچه مازندران ۱۸۰متر در نوسان بوده و بیشترین آن در خاک ایران قرار دارد. بنابراین با توجه به جریان‌های آب ورودی از طریق رودخانه ولگا و حرکت آن به سوی جنوب و همچنین حرکت گردش با برداشت از آن پس از مدتی به علت عدم سکون و تبخیر، شوری آن کمتر خواهد شد. از طرف دیگر به علت پایین بودن سطح دریاچه از دریاهای آزاد، به طور دائم برای تامین آب دریاچه مناسب است. دریاچه مازندران با توجه به محصولات فراوانی که دارد (و از حوصله این مقاله به دور است) یکی از نعمت‌های خدادادی است که خداوند به کشور ما عطا کرده است. دریاچه ارومیه در ارتفاع ۱۲۷۰ متری از سطح دریا قرار گرفته و میزان بارندگی آن در سال، ۲۷۹ میلی‌متر و سرعت تبخیر آن ۱۵۰۰ میلی‌متر است. در گذشته میزان تبخیر توسط رودخانه‌های بسیاری که از ۷۰ رودخانه بیشتر بوده، کسری فوق را تامین می‌کرده و بنابراین پس از سال‌ها استفاده مکرر از رودخانه‌های فوق مدار ورودی آن بسیار ناچیز و جبران تبخیر ۱۵۰۰ میلی‌متری را نمی‌کند. در سال‌های گذشته، اینجناب مقاله طرح نجات دریاچه ارومیه را از طریق دریای مازندران به وسیله لوله‌های پلی اتیلن در مطبوعات نوشته و چون نیاز به اطلاعات ورودی آب رودخانه ولگا در آستانراخان را داشت،م با بخش بازرگانی سفارت روسیه در تهران در آن زمان به‌نام آقای الکساندروف تماس گرفتم و ایشان از من خواستند تا مقاله‌های مربوطه را برایشان بفرستم. بعد از چهار سال، دو ماه گذشته از طریق برنامه تلویزیون مشاهده کردم که کشور روسیه برای نجات دریاچه آرال، طبق محاسبات اینجناب و توسط لوله‌های پلی اتیلن از طریق دریاچه مازندران اقدام به نجات دریاچه فوق کرده (لازم به تذکر است که موقعیت دریاچه آرال همانند دریاچه ارومیه است).

■

جهت اطلاع و نقطه آغاز این طرح در حال حاضر از شهر آستانرا جاده‌ای احداث شده که فرآورده‌های نفتی توسط لوله‌های فلزی به قطر ۲۵ اینچ به نمین، بستان‌آباد، تبریز و دیگر شهرهای استان آذربایجان در قبل از انقلاب احداث شده و این سیستم بدون انجام هیچ هزینه و خراب کردن محیطزیست از همین جاده استفاده کرده و آب دریاچه مازندران را به‌وسیله لوله‌های پلی اتیلن – که با توجه به وزن آن و تولید و قالب‌ریزی در محل و سرعت نصب و اتصالات آن بدون داشتن هزینه حمل و نقل و غیره به وسیله یک توربین پمپ می‌توان از نقطه صفر به مسافت ۱۷۵ کیلومتر و به ارتفاع ۱۷۵۰متر رسد و با استفاده از نیروی جاذبه و شیب موجود که گزینه بسیار مناسبی است به طول ۱۰۰ کیلومتر و به ارتفاع ۱۲۵۰ متر برآیه رسانید.

دریاچه مازندران بزرگ‌ترین دریاچه دنیا و ۳۰متر از سطح دریاهای آزاد پایین‌تر است و همچنین با توجه به گرم شدن سطح کره‌زمین، آب شدن سریع برف و یخ در نواحی شمالی این دریاچه و بارندگی بسیار یکی از رودخانه‌های مهم که حدودا ۶۰ تا ۷۰درصد آب این دریاچه را تامین می‌کند، رود ولگناست. این دریاچه با قرار گرفتن در نیمکره شمالی و به دلیل وضعیت گردششی کره‌زمین به دور خود از جمله دریاچه‌هایی است که در این موقعیت در قسمت راست رسوب‌گذاری می‌کنند. عمیق‌ترین قسمت دریاچه مازندران ۱۸۰متر در نوسان بوده و بیشترین آن در خاک ایران قرار دارد. بنابراین با توجه به جریان‌های آب ورودی از طریق رودخانه ولگا و حرکت آن به سوی جنوب و همچنین حرکت گردش با برداشت از آن پس از مدتی به علت عدم سکون و تبخیر، شوری آن کمتر خواهد شد. از طرف دیگر به علت پایین بودن سطح دریاچه از دریاهای آزاد، به طور دائم برای تامین آب دریاچه مناسب است. دریاچه مازندران با توجه به محصولات فراوانی که دارد (و از حوصله این مقاله به دور است) یکی از نعمت‌های خدادادی است که خداوند به کشور ما عطا کرده است. دریاچه ارومیه در ارتفاع ۱۲۷۰ متری از سطح دریا قرار گرفته و میزان بارندگی آن در سال، ۲۷۹ میلی‌متر و سرعت تبخیر آن ۱۵۰۰ میلی‌متر است. در گذشته میزان تبخیر توسط رودخانه‌های بسیاری که از ۷۰ رودخانه بیشتر بوده، کسری فوق را تامین می‌کرده و بنابراین پس از سال‌ها استفاده مکرر از رودخانه‌های فوق مدار ورودی آن بسیار ناچیز و جبران تبخیر ۱۵۰۰ میلی‌متری را نمی‌کند. در سال‌های گذشته، اینجناب مقاله طرح نجات دریاچه ارومیه را از طریق دریای مازندران به وسیله لوله‌های پلی اتیلن در مطبوعات نوشته و چون نیاز به اطلاعات ورودی آب رودخانه ولگا در آستانراخان را داشت،م با بخش بازرگانی سفارت روسیه در تهران در آن زمان به‌نام آقای الکساندروف تماس گرفتم و ایشان از من خواستند تا مقاله‌های مربوطه را برایشان بفرستم. بعد از چهار سال، دو ماه گذشته از طریق برنامه تلویزیون مشاهده کردم که کشور روسیه برای نجات دریاچه آرال، طبق محاسبات اینجناب و توسط لوله‌های پلی اتیلن از طریق دریاچه مازندران اقدام به نجات دریاچه فوق کرده (لازم به تذکر است که موقعیت دریاچه آرال همانند دریاچه ارومیه است).

است. پس از قرار گرفتن خط لوله و اتصال آن، با نصب یک میله شاخص تراز که به طور عمودی و محاسبه متریک- که در عمق دریاچه قرار می‌گیرد- و با نصب یک سوئیچ کنترل شناور (Flotingcotswitch) و ارسال پالس‌های مختلف- که توسط خطوط تلفن به پمپ ورودی اتصال می‌شود- می‌توان سیستم را هوشمند کرد و زمانی که سطح آب دریاچه به علت مصرف یا تبخیر پایین رود به‌طور اتوماتیک دستور قطع صادر می‌شود. به طور مثال کولر آبی را در نظر بگیریم، وقتی آب آن پایین باید شناور کولر پایین آمده و آب وارد کولر شده و وقتی به حد مناسب برسد قطع می‌شود. سوئیچ‌های کنترل شناور فوق در ایران موجود بوده و نصب آن بسیار ساده است. حال با توجه به اینکه فصل بارندگی در حال اتمام است، فرصت بسیار مناسبی است که به‌وسیله چند دستگاه لودر و بلدوزر شروع به پاک‌سازی مناطقی کنیم که خشک شده و نمک آنها قابل رویت است که می‌توان پس از جمع‌آوری و انتقال به مناطق خارج از دریاچه، بستر را برای انتقال آب دریاچه مازندران به وسیله لوله‌های پلی اتیلن مهیا کرد. پس از آن، ضمن تغییر غلظت‌های اسیدی و بازی

این دریاچه و همچنین با توجه به غلظت نمک دریاچه ارومیه که در حال حاضر بالاتر از ۳۰pp است، بعد از مخلوط کردن آب مازندران و به دست آوردن محیط مناسب و پایین آوردن غلظت نمک به کمتر از ۲۵pp می‌توان با کمک متخصصان شلات، بزرگ‌ترین مرکز پرورش ماهی را راه‌اندازی کرد و در آینده هزاران شغل مناسب از جهت گردشگری و غیره برای ساکنین حوزه دریاچه ایجاد کرد. همچنین برای ماراد فشار در طول خط لوله احداثی به وسیله پرنانه و شفت که در داخل لوله در مسیر آب قرار دارد و به وسیله یک مولد برق می‌توان در فواصل کوتاه،

ادبیات

طرحی برای احیای دریاچه ارومیه

نجات دریاچه ارومیه به اسم ایران به کام روس‌ها

محسن فرج‌پور



هزاران کیلووات برق، بدون هیچ هزینه‌ای به‌دست آورد. درست به مانند یک آسیاب آبی بااین تفاوت که پروانه‌های آسیاب، داخل لوله و موارد دیگر است (که توضیح آن از حوصله این مقاله به دور است). البته به نظر اینجناب کمبود آب دریاچه ارومیه به‌طور تخمینی بالاتر از چهارمیلیارد مترمکعب است تا بتواند جریان سیر طبیعی خود را سیر کند و به نظر اینجناب هیچ گزینهای بهتر از دریاچه مازندران برای نجات ارومیه مناسب نیست و هرگونه برداشتی از سایر حوضه‌ها خسارت جبران‌ناپذیری را برای کشورمان به وجود می‌آورد که در ناحیه خشک و نیمه خشک قرار دارد. بنابراین با توجه به پایین آمدن آب دریاچه ارومیه و پدیدار شدن نمک و سایر املاح موجود بهترین فرصت وجود دارد تا با کمک بخش خصوصی و استانداری، به وسیله دستگاه‌ها و ماشین‌آلات راهسازی از قبیل لودر و بلدوزر و غیره برداشت نمک و انتقال آن به خارج از دریاچه انجام گیرد. پس پیشنهاد می‌شود در حال حاضر که تبخیر به حدی زیاد است که قبل از آبگیری و نجات دریاچه ارومیه می‌توان به پاک‌سازی نمک‌های موجود اقدام کرد- تا بعد از آبگیری مشکل اختلاط آب و املاح نمکی به وجود نیاید و با پایین آمدن مقدار معلق

نمک در آب موجود بعد از آبگیری، می‌توان بزرگ‌ترین دریاچه پرورش ماهی را احداث کرد. یکی از برنامه‌هایی که می‌توان در زمینه استحصال نمک و انتقال آن به کارخانه تصفیه، مورد نظر قرار گیرد احداث این کارخانه‌ها در نزدیکی ایستگاه‌های راه‌آهن است. محصولات این کارخانه در حال حاضر از نظر اقتصادی قابل صدور به بازارهای جهانی است. لازم به توضیح است که قیمت نمک در بازار جهانی از ۹۰ تا ۳۰۰ دلار در هر تن در نوسان است. از دیگر مصارف این محصول ۱۴۰۰۰ مورد مصرف شناخته شده می‌توان اشاره کرد. کافی است فقط

تخته
جهت اطلاع آن گروه از کارشناسان که طرح‌هایی از قبیل انتقال آب رودخانه ارس را مطرح کرده‌اند، برای انتقال آب از حوضه‌ای به حوضه دیگر به وسیله پمپ‌های طبقه‌ای اولین مساله این است که باید مخزنی وجود داشته باشد

آرشیو

۵۰درصد دریاچه شور‌ه‌زار شد

■ مهر۱۳۹۰/۲/۲۲: دریاچه ارومیه در حالی بحرانی‌ترین شرایط زیست‌محیطی را در سال ۹۰ تجربه می‌کند که مسوولان با جلسات غیر تخصصی و همایش‌های بی‌نتیجه دچار روزمرگی شده و اقدامات اساسی از جمله بارورسازی ابرها، اصلاح الگوی کشت و… را فراموش کرده‌اند. با وجود افزایش بارش‌ها در ماه‌های اخیر به عقیده کارشناسان، میزان بارش در سال جاری در حوزه آبخیز دریاچه ارومیه کاهش چشمگیری خواهد داشت و با توجه به افزایش دمای این حوزه، میزان تبخیر آب دریاچه نیز افزایش می‌یابد که این امر احتمال خطر بروز سونامی نمک را دوچندان می‌کند. سطح آب دریاچه در مقایسه با زمان مشابه در سال گذشته ۴۰سانتی‌متر پایین رفته است و با توجه به خشکسالی پیش رو مشخص نیست تا پایان سال تا چه اندازه به وسعت خشکی‌های اطراف دریاچه افزوده شود. میزان شوری آب نیز به ۴۰۰ گرم در لیتر رسیده، به همین دلیل کف دریاچه در مناطق کم‌عمق از نمک پوشیده شده و در مناطق پرقمق هم رسوب‌گذاری نمک قابل مشاهده است، ضمن اینکه می‌توان پیاده بین جزایر تردد کرد در حالی که تا پیش از این عمق آب در حد فاصل این جزایر به پنج متر می‌رسید. شوری بیش از حد سبب شده تا این زیست‌بوم که روزگاری میریان صدها هزار فلامینگو و هزاران پرنده کوچنده دیگر بود، اهمیت خود را به عنوان یک مسیر بین‌المللی پرندگان مهاجر از دست بدهد. به خاطر همین وضعیت بحرانی، جمعیت آرمیتیا در این دریاچه نسبت به سال‌های ۷۵ و ۷۶ تا ۴۰ برابر کاهش یافته است و با آن‌که برداشتی صورت نمی‌گیرد، اگر این ذخایر بازسازی نشود، در آینده اثری از این آبرزی ارزشمند باقی نخواهد ماند.

۵۳درصد از مساحت

■ ایسن۱۳۹۰/۲/۲۳:مدیر کل حفاظت محیط‌زیست آذربایجان غربی ارومیه گفت: در زمان حاضر ۵۳درصد از مساحت این- دریاچه که افزون بر سه‌هزار کیلومتر مربع می‌شود، خشک و تبدیل به شورزار شده و میزان غلظت نمک آن نیز به بیش از ۴۰۰ گرم در لیتر رسیده است. حسن‌عباس‌نژاد با بیان اینکه هم‌اکنون این تالاب ارزشمند روز‌های بسیار بحرانی را طی می‌کند و ادامه این روند مشکلات زیست‌محیطی زیادی را برای منطقه به ارمغان خواهد آورد، اظهار داشت: باید همه بداند که خشک شدن دریاچه ارومیه نه تنها محیط‌زیست آذربایجان غربی را از بین می‌برد، بلکه تمام استان‌های همجوار از جمله آذربایجان شرقی و در مجموع کشور را تهدید می‌کند. از این رو حل این مشکل نیازمند یک عزم ملی است. وی، تبخیر بسیار بالای آب، کاهش شدید آب ورودی به دریاچه، شرایط اقلیمی منطقه، کاهش نزولات آسمانی، عدم استفاده اصولی از منابع آب زیرزمینی و آب‌های سطحی به همراه عوامل انسانی را از اهم دلایل بحرانی شدن دریاچه ارومیه عنوان کرد.

انتقال آب رودخانه ارس به دریاچه ارومیه

■ فارس۱۳۹۰/۲/۲۵: عباس‌نژاد با بیان اینکه انتقال آب رودخانه ارس به دریاچه ارومیه می‌تواند این دریاچه را از بحران خارج کند، گفت: دست‌کم سالانه یک میلیارد مترمکعب آب از این رودخانه به پارک ملی دریاچه ارومیه، می‌تواند این دریاچه را از یک فاجعه بزرگ زیست‌محیطی خارج و آن را دوباره احیا کند. وی با تأکید بر اینکه در صورت تحقق این امر و انتقال آب این رودخانه در مدت پنج‌سال این دریاچه به وضعیت عادی باز می‌گردد، بیان داشت، پروژه انتقال آب رودخانه ارس به دریاچه ارومیه در کمیسیون تلفیق مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده و برای اجرای آن در سال جاری ۲۵۰میلیارد ریال اعتبار منظور شده است. وی گفت: مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که انتقال آب از رودخانه ارس به این دریاچه از حوزه آذربایجان غربی کوتاه‌تر و بسیار کم‌هزینه‌تر از مسیر آذربایجان شرقی است، حتی اگر موضوع آبیاری زمین‌های کشاورزی استان از قسمتی از آب انتقالی از سد ارس منظر باشد. معاون عمرانی استاندار آذربایجان غربی گفت: با وجود بارش‌های خوب چند روز گذشته دریاچه از حوزه آذرانشان کرد، در اثر کمبود هوا، سالانه در فصل تابستان بیش از ۹۰سانتی‌متر آب دریاچه تبخیر می‌شود و پایین‌می‌آید که در صورت ادامه این وضعیت در سال جاری شرایط دریاچه بسیار بحرانی خواهد بود. معاون عمرانی استاندار آذربایجان غربی در خصوص اقدامات دولت در نجات دریاچه ارومیه گفت: بر اساس سند راهبردی مصوب دولت پروژه‌های مهمی از جمله انتقال آب بین حوزه‌ای، توسعه شبکه آبیاری تحت فشار و اصلاح الگوی کشت، باروری ابرها برای نجات دریاچه ارومیه شناسایی، مطالعه و در حال اجراست.